

الفیه «نیر» و جایگاه آن در بین انواع ادبی

دکتر محمد فرهمند
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۲۵

چکیده

اهمیت نسخه‌های خطی، در شناخت جامعه در دوره‌های مختلف تاریخی، امری است که بر کسی پوشیده نیست. متون ادبی ما در بردارنده اطلاعات باارزشی از آداب، سنن، فرهنگ و اعتقادات هر دوره بوده، مسیر شناخت تحولات فکری، سیاسی و ساختارهای حکومتی آن دوره را بر ما هموار و روشن می‌کند. این پژوهش به معرفی و بررسی یکی از نسخه‌های خطی کتابخانه علامه جلال‌الدین همایی با عنوان «الفیه» می‌پردازد که از نظر استاد، از شاهکارهای ادبی در حوزه طنز و سخره ادبی به‌شمار می‌آید. مقاله حاضر ضمن معرفی این نسخه، به درون مایه و نوع ادبی آن می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: الفیه، نیر، همایی، نظیره پردازی، نقیضه و طنز.

مقدمه

برای آگاهی و شناخت ماهیت هر فرهنگی، می‌بایستی درکی درست از فضایی که آن فرهنگ در آن فضا رشد و بالندگی پیدا کرده است، داشت. فضای فرهنگی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی، توسط حکومت‌هایی اشغال شده است که سعی در این داشته‌اند که تاریخ را بر اساس منویات و باورهای خود بارور کنند و در این فضا، قدرت حرکت از مورخان، برای تبیین واقعیت‌های تاریخی یا گرفته شده است یا در سایه زر و زور، حرکت‌های مزورانه‌ای را وارد عرصه تاریخ کرده‌اند.

حرکت آگاهانه و علمی در مسیر جریان‌های تاریخی، باعث آگاهی نسل امروز از تاریخ گذشته خواهد بود و مسیر نقد جریان‌های تاریخی را بر او روشن و هموار خواهد کرد. ادبیات به‌عنوان یکی

از عناصر سازای فرهنگی، با کمک گرفتن از ابزارهای خاص هنری، ما را در یافتن بسیاری از پیچیدگی‌های تاریخی و گسل‌ها و گسست‌هایی که، خامه مورخان، توانایی بیان آن را نداشته‌اند، یاری خواهد کرد. ادیب و شاعر به کمک اسلوب‌های خاص هنری و بیانی مانند استعاره، مجاز، کنایه، طنز و ... توانایی‌های خود را برای تبیین واقعیت‌های تاریخی در لفافه سخن به منصه ظهور می‌گذارد. حال بر پژوهشگر نکته‌سنج و باریک‌بین است تا بتواند با حرکت عمقی ذهن خود، لایه‌ها و سطوح ظاهری را کنار زده، به عمق پیام شاعر و نویسنده دست یابد.

نسخه‌های خطی به‌عنوان یکی از رکن‌های اساسی در شناخت گذشته تاریخی هر کشوری بوده، به شرط این که تنها به آرایش‌های لفظی و ظاهر آن بسنده نشود. مقاله حاضر به بررسی یکی از این نسخه‌های خطی با عنوان «الفیه» می‌پردازد که متعلق به علامه جلال‌الدین همایی می‌باشد. این نسخه خطی توسط استاد معظم جناب آقای دکتر ناصرالدین شاه حسینی جهت چاپ در اختیار اینجانب گذاشته شد. کار تصحیح نهایی نسخه به علت دارا بودن بعضی از پیچیدگی‌های لفظی و معنایی و نیز شمول بسیاری اصطلاحات، آداب و رسوم محلی، به درازا کشید. بحمدالله و منته، کار تدوین و تصحیح نهایی نسخه، برای چاپ آماده شد. راسته خواهد شد. آآ

کتاب حاضر منبعی مهم جهت شناخت جامعه ایرانی در دوره مشروطیت به‌شمار می‌آید که به حواشی دو استاد جلیل‌القدر بی بدیل (استاد جلال‌الدین همایی و استاد احمد بهمنیار) مزین شده است.

مقدمه استاد علامه جلال‌الدین همایی بر نسخه حاضر

«میرزا محمد تقی حجت‌الاسلام تبریزی، پسر ملا محمد ممقانی که از مشاهیر علمای آذربایجان بود و میرزا علی محمد باب را در مجلس ولیعهد مجاب کرد و او و ملا محمود نظام العلماء، حکم قتل باب را دادند. ملا محمد، شاگرد شیخ احسائی و از پیروان او بود. حجت‌الاسلام، عالمی شاعر و بسیار با ذوق بود؛ منظومه «الفیه» و دیگر منظومه‌های عربی و فارسی اش بهترین گواه ذوق و طبع شیرین اوست. در شاعری، «نیر» تخلص می‌کرد و از آثارش مثنوی «قار دوشاب» است به فارسی و دیوانش با حواشی به نام «آتشکده» چاپ شده است و نیز از آثارش کتاب «صحیفه‌الابرار فی معجزات الائمه» در دو جلد بزرگ چاپ شده، هزار معجزه برای چهارده معصوم نوشته، در آخرش روایتی دارد از پدرش ملا محمد و تصریح می‌کند که شاگرد احسائی البته است.

«الفیه» مرحوم میرزا محمد حجت‌الاسلام تبریزی متخلص به «نیر» ابن مرحوم ملا محمد ممقانی [را] در خرداد ماه ۱۳۲۴ هجری شمسی از آقای سهیلی در تهران خریداری کردم.

«الفیه» مرحوم حجت الاسلام از شاهکارهای ادبی است نظیر منظومه مرحوم میرزا حبیب اصفهانی و منظومه عبرت نامه صبا و رساله مجددیه که اشعارش غالباً محتاج به شرح و توضیح است. نگارنده تا آنجا که ممکن و دسترس بود، این نسخه را با نسخه‌های دیگر مقابله کردم و حواشی و توضیحات نوشتم. قسمتی از حواشی منقول است از نسخه دوست دانشمند آقای احمد بهمنیار که به خط کاتب با اطلاعی از مردم تبریز نوشته شده و آقای بهمنیار هم تحقیق کرده‌اند و نوشته‌اند. عجاله با یکدیگر مقابله می‌کنیم. و الله الموفق. (جلال‌الدین همایی، حاشیه مقدمه نسخه)

از مقدمه استاد همایی چنین برمی‌آید که قسمتی از حواشی که به خط کاتب نسخه، از روی نسخه خطی مرحوم احمد بهمنیار نوشته شده، حاوی اطلاعات باارزشی است که کاتب نسخه با آگاهی از مردم تبریز و شناخت روزگار مؤلف نوشته است. با وجود حواشی بسیار مفیدی که توسط کاتب و نیز استاد همایی بر ابیات نوشته شده است، متأسفانه موارد بسیاری نیاز به توضیح داشته که نگارنده این سطور با پرس و جو از خبرگان در این وادی، این موارد را با علامت (م) در پاورقی درج نموده است.

شرح حال مؤلف

میرزا محمد تقی پسر آخوند ملا محمد ممقانی متخلص به «نیر» و مشهور به حجة الاسلام از علما و دانشمندان اوایل قرن چهاردهم آذربایجان می‌باشد. پدرش آخوند ملامحمد ممقانی، شاگرد شیخ احمد احسائی است. وی از جمله علمایی است که در مجلس مناظره میرزا علی محمد باب در تبریز حاضر بوده، فتوی به کفر میرزا علی محمد باب داده و حکم بر قتلش برآورد.

آخوند میرزا محمد تقی در سال ۱۲۴۷ و به قولی ۱۲۴۸ هـ ق در تبریز متولد و در بیست و دو سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به نجف رفته، و پس از کسب علم از محضر استادان و مشایخ آن سامان به تبریز بازگشت. در شخصیت او گفته‌اند که شهادت نفس و مناعت طبع او به اندازه‌ای بوده که جز خانه مسکونی چیزی نداشته و آن را هم بعد از فوت به وامش دادند، و از این روی همیشه در شکنجه و فشار رجال حسود و بدخواه بوده و در این معنی گوید:

دستی به خون دهر نیالوده چون مگس شد تـار عنکبوت مرا دور روزگار
ای هوش دیگر آهن سردم به سر مکوب ای فکر دیگر از رگ اندیشه خون مار
ای چشمه مداد من، از غصه قیر شو ای خامه نزار من، از غم چو نی بزار

میرزا جعفر سلطان‌القرائی زیر عنوان حجت الاسلام محمد تقی بن محمد بن الحسینی الشریف التبریزی الممقانی گوید:

«وی پسر دوم حجّت‌الاسلام آخوند ملا محمّد ممقانی و فرع رشید شجره این خاندان است. فقیه و محدّث و مجتهد و حکیم بود، در فنون شعر و ادب استاد و صاحب نظر است. طبعاً راغب انزوا و گوشه‌گیری و از مصاحبت و آشنائی خلق، گریزان بود. ریاست را دوست نمی‌داشت و شوکت و جاه را جالب و طالب نبود. بخت تیره و طبع بلند داشت؛ با فقر و قناعت، اما با کمال استغناء و مناعت به سر می‌برد. چون وفات کرد، دوهزار تومان قرض داشت و در مقابل آن مالی نبود؛ خانه مسکونی او را فروخته به طلبکار دادند. او در سال ۱۲۴۸ هـ. ق در تبریز متولد شده و از شانزده سالگی مدت پنج سال نزد پدر خود به تحصیل فقه و حکمت اشتغال ورزیده پس از مرگ پدر (۱۲۶۹ هـ. ق) در بیست و دوسالگی برای تکمیل تحصیلات به عراق عرب که مرکز علم بود سفر کرد، و مدتی در محضر علمای آن دیار کسب فواید علمیه نمود و به تبریز مراجعت کرد. در آن ایام حجّة‌الاسلام میرزا حسین برادر بزرگش زنده و مرجع شیخیه بوده است. مع هذا پس از ورود به تبریز، امامت مسجد حجّت‌الاسلام به او محوّل شده و در آن مسجد اقامه جماعت می‌کرده است تا صبح روز جمعه دوازدهم ماه رمضان سال ۱۳۱۲ هـ. ق در آن شهر وفات یافت و جسدش را به نجف نقل و در آن خاک مدفون نمودند.» (دهخدا، لغت نامه، ذیل مدخل حجت‌الاسلام)

در وفات او جمعی از فضلالی فارسی و عربی مراثی گفته‌اند و قطعه‌ای عربی از میرزا علی بن موسی ثقة‌الاسلام تبریزی نقل شده که در رثای او گفته و مدح بسیار از او کرده است. کتابخانه شخصی او که حاوی نسخه‌های خطی ممتاز بوده بعد از مرگی او پراکنده و متفرق گشت. وی در نوشتن خطوط مختلف اعم از ثلث، رقع، شکسته، نستعلیق و انواع خطوط دیگر استاد و از خوشنویسان ماهر زمان خود به‌شمار می‌آمد. وی در سه زبان فارسی، عربی و ترکی طبع آزمایی کرده و اشعار سروده است. مخصوصاً اشعاری که در مراثی سروده پرسوز و گداز است. تخلص وی در شعر «نیر» است. از معاصرین او شخصی موسوم به اسماعیل و معروف به میرزا بزرگ علی‌آبادی که اشعار سست و بی‌مایه دارد نیز «نیر» تخلص داشته است و نباید این دو را با هم اشتباه کرد.

تألیفات

الف- مثنوی آتشکده

مثنوی آتشکده در مراثی و تعداد ابیات آن حدود دوهزار و هشتاد و شش بیت است.

ب- لالی منظومه

از مجموعه اشعار دیگر وی «لالی منظومه» است که مشتمل بر مراثی و مدایح در قالب

قصیده، قطعه و غیره که حاوی نهصد و پنجاه و نه بیت است. وی در این مجموعه ضمن قصیده‌ای که در مدح امیرالمؤمنین علی (ع) سروده است، از روزگار و ناملایمات زندگی و بخت بد خود شکایت کرده است:

<p>و آن طوطیم که در قفسم کرده روزگار و آن کوکبم که از نظر نحس ناکسان چشم جهان فضلیم و بر چهره نیم شب فیلاسفان صدر دبستان هفت خط در کلبه تفلسف من صد چو بوعلی بودم قرین صدرنشینان بزم خاص چون سنگ کیمیا ز نظرها نهان شدم ماندم به صد حجاب ز خرگاه قرب دور گوش از طنین خرمگسانم صدا گرفت</p>	<p>یاران خبر برید به هندوستان من در برج غم وبال من آمد قران من اشک روان ستاره هفت آسمان من بردست علم کودک سر عشرخوان من پا خسته از تسابق یوم الرهان من ز آمیزش عوام فروکاست شأن من کس آگهی نیافت ز سر نهان من تا از کدام پرده برآید فغان من ای کاش بود منزل عنقا مکان من</p>
--	--

(دهخدا، لغت نامه، ذیل مدخل حجت‌الاسلام)

ج- دیوان غزلیات

دیوان غزلیات وی مشتمل بر غزلیات، رباعیات، مفردات، متفرقات، ساقی‌نامه و غیره به زبان فارسی است و آن در حدود هزار و ششصد و هشتاد و چهار بیت است. از مثنویات فارسی و قصاید و دیگر اشعار او که در بعضی جاها دیده شده در این مجموعه نیست. بسیار واضح است که این مجموعه شامل همه آثار منظوم او نیست و هنوز کلمات منظوم او نیک جمع‌آوری نشده است.

د- درّ خوشاب

از منظومات دیگر وی مثنوی است موسوم به «درّ خوشاب در جواب قار دوشاب» به زبان فارسی که در بحر رمل مسدّس محذوف یا مقصور سروده شده است. ابیات این مثنوی در حدود نهصد بیت است. او این مثنوی را در حدود سال ۱۳۰۷ هـ. ق به نظم آورده و آن را به انتقاد رساله «توحیدیه» عالم شهیر اصولی میرزا محمود خوئی سروده است و آن رساله را در این مثنوی به اسم «قار دوشاب» که نام ساختگی و مجعول خود ناظم است خوانده و آن را از روی زیرکی با حکایات شیرین و تمثیلات ملیح آراسته و منسوب به عمیدالدین حسینی ساخته و تخلص خود را در آخر آن «عمیدا» آورده است.

الفیه و موضوع آن

کتاب «الفیه» منظومه ارجوزه‌ای است هزلیه به زبان عربی، ممزوج با بعضی کلمات ترکی و لغات فارسی که با این ابیات شروع می‌شود:

قَالَ التَّقِيُّ الْهَاشِمِيُّ نَسَبًا
ابْنُ أَبِي الْقَاسِمِ ذِي النَّجَادِ
بَقِيَّةُ الْمَاضِينَ مِنْ طَبَا طَبَا
وَ شَيْخُ الْإِسْلَامِ بِأَذْرَبَادِ

(نبر، الفیه، ابیات ۱-۲)

میرزا محمد علی تربیت از این کتاب، با عنوان منظومه عملیه انتقادی یاد می‌کند که به شراکت میرزا محمد طسوجی معروف به ملاباشی هر کدام پانصد بیت سروده‌اند. (تربیت، دانشمندان آذربایجان، ص ۵۵۷)

از نوشته میرزا محمد علی خان تربیت چنین برمی‌آید که این منظومه هزار بیت درست است پانصد بیت آن را میرزا محمد تقی حجة الاسلام و پانصد بیت دیگر را میرزا محمد طسوجی تبریزی ساخته است. اگر بخواهیم کتاب حاضر را در داخل یکی از انواع ادبی قرار دهیم، این اثر می‌تواند از جنس نظیره‌پردازی به‌شمار آید که در داخل آن هم می‌توان رگه‌هایی از نقیضه و هم سخره حماسی را به وضوح مشاهده کرد. قبل از وارد شدن به موضوع کتاب، مقدمه‌ای در مورد این دو اصطلاح آورده می‌شود.

نقیضه^۱

کلمه نقیضه به معنی شکننده و باطل‌کننده از واژه نقض به معنای شکستن و گسستن است. و در اصل به بازسازی عقیده نویسنده و شاعر به صورتی مبالغه‌آمیز در قالبی سبک و سخره‌آمیز گویند.

«نقیضه یکی از انواع بورلسک است و در حقیقت در ادبیات همان کاری را انجام می‌دهد که کاریکاتور در نقاشی؛ یعنی در نشان دادن خصوصیات یک اثر مبالغه می‌کند تا آن را به گونه‌ای مضحک نشان دهد». (میرصادقی، واژه نامه هنر شاعری، ص ۳۲۳)

سخره حماسی^۲

سخره حماسی که در ادبیات غرب با عنوان بورلسک از آن یاد می‌شود، به اثری اطلاق می‌شود که در آن اثر، موضوعی جدی به صورت تمسخرآمیز و برعکس موضوعی عامیانه به صورتی جدی مطرح می‌شود. «خصوصیت اصلی بورلسک، عدم تجانس موضوع مطرح شده و

شیوه ارائه آن است و همین عدم تجانس و ناهماهنگی در موضوع و شیوه بیان و عدم تناسب این دو با یکدیگر، جنبه طنزآمیز بورلسک را برجسته می‌کند. به طور کلی شعر، داستان یا نمایشنامه‌ای که در آن عرف و عادات مردم، آثار ادبی یا اشخاص، از طریق تقلید مبالغه‌آمیز مورد تمسخر قرار می‌گیرند، بورلسک محسوب می‌شوند. در ادبیات غرب، گاه بورلسک را با «پارودی» یا «نقیضه» به صورت مترادف به کار برده‌اند و گاه آن را نوعی «نقیضه» دانسته‌اند؛ اما در حقیقت بورلسک نوعی کلی‌تر و عام‌تر است و تفاوت عمده آن با نقیضه این است که در نقیضه، اثر ادبی مشخص یا شیوه‌ای خاص در ادبیات مورد تقلید مسخره‌آمیز قرار می‌گیرد، اما حوزه تقلید و تمسخر و بورلسک وسیع‌تر و آزادتر است». (میرصادقی، واژه نامه هنر شاعری، ص ۵۹) همان‌گونه که در تعریف سخره حماسی و نقیضه گفته شد، نیر این کتاب را به این شیوه به نظم کشیده است. وی در بیت سوم منظومه، از اثر خود با عنوان «فَسْوَةُ الْفَصِيلِ» یاد می‌کند که آن را در سال موش (سیجقان نیل = سیجان ایل) سروده است:

هَذَا كِتَابُ «فَسْوَةِ الْفَصِيلِ» أَلْفَتْهُ فِي عَامِ سَيِّجِقَانَ نَيْلِ
عَلَّفْتُهُ عَلَى كِتَابِ الْبَادِ لِبَدِّي الْمُحَقِّقِ الْأَسْتَادِ

(نیر، الفیه، ابیات ۴-۳)

نام این کتاب «فسوة الفصیل» است که آن را در سال موش تألیف کردم و آن را به عنوان حاشیه‌ای بر کتاب «باد» که متعلق به جدّم است، نوشتم). کتاب حاضر، مشتمل است بر فتوهای شگفت‌آوری که شاعر آن‌ها را در نقد فتاوی زمان خود به صورت طنز و سخره مطرح کرده است:

مُشْتَمِلٌ عَلَى فِتَاوٍ مُعْجَبَةٍ تَكُونُ دَسْتُورًا لِجُلِّ الطَّلَبَةِ
قَدْ غَفَلْتُ عَنْهَا فُحُولُ الْفَضْلَاءِ خَرَجْتُهَا بِالْفِكْرِ أَوْقَاتِ الْخَلَاءِ

(همان، ابیات ۶-۵)

(این کتاب مشتمل است بر فتوهای شگفت‌آوری که برای همه طلبه‌ها در حکم دستوری است. فضلان بزرگ زمانه از آن فتواها غافل بودند و من در اوقات خلوت آن فتاوا را با فکر صادر کردم).

وی در این کتاب، خود را یک سر و گردن بالاتر از دیگران فرض کرده که با نعلینی از جنس نعلین‌های کربلا^۱ و پوستینی به جنگ فضلالی زمان خود می‌رود:

۱- - ظاهراً نعل کربلا از جنس نعلین‌های مقاوم بوده است تا در سفر طاقت فرسا و دور و دراز کربلا بتواند تا آخر سفر دوام کند.

إِنِّي إِذَا رُمْتُ نَزَالَ الْفُضْلَا
وَ خِرْقَةً مَحْشُوءَةً دَرِيًّا
وَبُرْنَسًا مُدَوَّرًا كَالْخُودِ

لَيْسَتْ نَعْلًا مِنْ نَعَالِ كَرِبَلَا
أَبْرَتُهُ تَشْبَهُ عَبْقَرِيًّا
تَحْتَ عِمَامَتِي مِنَ اللَّبُودِ

(همان، ابیات ۱۰-۱۲)

همانا زمانی که من با فضلا مشغول جنگ و نزاع (جر و بحث) می شوم، نعلینی از جنس نعلین‌های کربلا به پا می‌کنم و خرقه‌ای پوستین به تن می‌کنم که روبه آن شبیه پارچه‌های عبقری است و تاجی گرد همچون کلاهخود در زیر دستارم از جنس نمد بر سر می‌گذارم).
و سپس به شیوه قهرمانان قرون وسطی، دن کیشوت‌وار با شانه‌کردن ریش خود به عرض به علامت هیبت و شکوه پهلوانی با عینک و عصایی در دست، سوار بر پشت اسب وارد میدان جنگی می‌شود که آن را در عالم خیال ترسیم کرده است:

ثُمَّ امْتَشَطْتُ لِحْيَتِي بِالْعَرْضِ
ثُمَّ خَرَجْتُ وَأَضَعْتُ لِعَيْنِكِي
وَفِي يَدِي عَصًا كَمِثْلِ الْبُوقِ
ثُمَّ رَكَيْتُ خَيْلِي الْمِحْجَامَا
وَ حِينَمَا اسْتَوَيْتُ ظَهْرَ الْفَرَسِ
كَانَ بَرْدُونَ أَبَا عَصَامٍ

فَإِنَّهُ أَهَيْبُ عِنْدَ الْعَرْضِ
وَ مُرْخِيًّا سُدُولٌ تَحْتَ الْحَنْكِ
تَنْفِذُ عِنْدَ الْحَرْبِ فِي الشُّقُوقِ
الْمُطْلَخِمُ اللَّائِكُ اللَّجَامَا
تَصَايَحَتْ مِنْ خَلْفِ ظَهْرِي حَرْسِي
زَيْدٍ حِمَارٌ دُقُّ بِاللِّجَامِ

(همان، ابیات ۱۸-۱۳)

(سپس ریش خود را به طرف عرض شانه کردم که همانا این کار در میدان جنگ با هیبت‌تر است. سپس در حالی که عینکی بر دیدگان داشتم و سست‌کننده طرف عمامه به صورت تحت‌الحنک بودم، خارج شدم و در دستم عصایی مثل شیپور بود که در پراکندگی‌ها و اختلافات حکم‌کنند؛ سپس سوار بر اسب بسیار گریزنده که لجام و دهنه‌اش را می‌خایید شدم و هر آنگاه که بر پشت اسب قرار گرفتم، نگهبانان من از پشت اسب بانگ سر دادند: یا ابا عصام گویا یابوی زید خری است که به وسیله لگام کوچک شده است).

سپس شاعر از خود به عنوان پیرمردی یاد می‌کند که قبل از دوران کودکی به مرز پیری رسیده است و این را از کرامات خود می‌داند:

ثُمَّ نَدَيْتُ رَاجِزًا بَيْنَ الْمَلَا
أَنَا الَّذِي قَبْلَ الصَّبِيِّ تَشْيِيخًا
وَ هَذِهِ مِنْ خَارِقِ الْعَادَاتِ

مُخَاطِبًا بِهِ فُحُولَ الْفُضْلَا
كَالْبَيْضِ فِي أُسْتِ الدُّجَاجِ فَرَخَا
كَرَامَةً تَخْتَصُّ بِالسَّادَاتِ

(همان، ابیات ۲۰-۲۲)

۱- این بیت در شرح ابن عقیل بر الفیه ابن مالک بدون ذکر نام شاعر آمده است. (شرح ابن عقیل، ج ۳ ص ۸۶)

(سپس در بین ملا مردم خطاب به بزرگان ندا سردادم: من کسی هستم که قبل از دوران کودکی پیر شدم مثل تخم مرغی که در تهیگاه مرغ تبدیل به جوجه شد و این جزو خوارق عادات و کراماتی است که مختص به بزرگان و سادات است). شاعر در ادامه، کرامات خود و جدش را بهانه‌ای برای انتقاد از اوضاع جامعه قرار داده، موضوعات مختلف اجتماعی را به باد انتقاد می‌گیرد. شاعر در این قسمت وارد مسائل فقهی شده و با باریک بینی لحن فروشندگان دوره گرد را که با آوازهای خاص به خود در محله‌ها کالاهای خود را می‌فروشد، مورد بررسی فقهی قرار داده می‌گوید:

يَحْرُمُ صَيْحُ بَايِعِ الصَّابُونَ	فَإِنَّهُ مِنْ أَفْحَشِ اللُّحُونِ
وَ مِثْلُهُ صَيْحُ بَيْعِ اللَّبْلِيِّ	لَا سِيَّمًا التَّرَجِيعُ بِالتِّيَانِ دِيْبِي
وَ لَيْسَ فِي سُورِ بَاقِلَا مِنْ مَنَعٍ	لِأَنَّهُ مَدٌّ بَغَيْرِ رَجْعٍ

(همان، ۴-۲۳۲)

نیر همان گونه که از تخلص او برمی‌آید، وظیفه خود را تنویر افکار عمومی می‌داند و برای خود رسالتی همچون رسالت خروس قائل است که برای کمک به درماندگان و محتاجان، بانگ سر می‌دهد تا شاه و درباریان، از خواب غفلت بیدار شوند:

أَصْعَدُ سَطْحَ النَّيْنِ كَالْخُرُوسِ	وَ صَحْتُ صَيْحَةً عَلَى الرَّؤُسِ
فُوقُولِي فُو قَارِدَاشَلَارِيمِ أَجْمِشِ	فُوقُولِي فُو شَاهِ مِنْهُ مُحْتَا جِمِشِ

(همان، ابیات ۴-۸۳)

شاعر در بعضی از ابیات «الفیه» خود، به ابیاتی از «الفیه» ابن مالک استناد می‌کند:

فَانَّهُمْ قَدَّوَا بَقْدَى ذَا الْقَبَا	«وَ اسْمَاً آتَى وَ كُنْيَةً وَ لَقَبَا» ^۱
وَ مَسْجِدُ النَّاطِمِ لِي بِالنَّقْدِ	وَلَيْتُهُ فِى شَرْطِ ضَمْنِ الْعَقْدِ
بَنُوهُ لِي قَبْلَ وِلَادِي مَسْكِنًا	«وَ الْاَصْلُ فِى الْمَبْنَى أَنْ يُسْكِنَا» ^۲

(همان، ابیات ۷-۷۵)

در جای دیگر با اشاره به مصرعی از «الفیه» ابن مالک، معرکه‌ای را به نمایش می‌گذارد که در آن معرکه، به جنگ قلیان و چبق اشاره کرده و می‌گوید: هر آن کسی که در آوردن چبق تأخیر روا دارد، حد او قطع گردن است. در این قسمت شاعر با ارائه نمایش جنگ زرگری،

۱- بیت ترکی است. فوقولی فو: آوای خروس است. / قارداشلا ریم: برادرانم. / آجمش: گرسنه بوده است. / شاه منه: شاه به من. / محتاجم: محتاج بوده است. / روی هم رفته گفتار خروس است که برادرانم گرسنه و شاه به من محتاج بوده است. (جلال الدین همایی)

۲- ابن مالک، الفیه، بیت ۷۲.

۳- همان، بیت ۲۱.

مجلسی را به تصویر می کشد که خادمان آن مجلس، دهان مخالفان شاعر را از پهبین پر می کنند.

خُدَامُنَا رَاجِلُهُمْ كَفَّارِسَ
فَمَنْ تَخَطَّاهُ بِتَقْدِيمِ الْجُبُقِ
لَأَنَّهُ لَمْ يَسْرِعْ قَوْلَ الْأَدْبَا
أَمَا سَمِعْتَ غَزْوَةَ الْعَلِيَّانِ
وَمَا جَرَى مِنْ جَلَبَاتِ الْعَسْكَرِ
إِذْ شَدَّ خَادِمِي عَلَيَّ مِنْ عَجَلًا
وَاحْرَقُوا خُدَامُنَا أَبَاهُ

(همان، ابیات ۹۱-۸۹)

کاربرد کلمات و ترکیبات فارسی

وادر و بازدید کردن:

وَمَجْدُونِي غَايَةَ التَّمَجِيدِ

وَوَادَرُوا الشَّاهَ لِبَازِدِيدِي

(همان، بیت ۱۱۶)

پهلوان:

وَخَالِي النَّبِيلِ مُوسَى خَانَ

كَأَنَّهُ فِي الْفَطْرِ يَهْلَوَانَ

(همان، بیت ۵۴)

سنگین بدن:

غَوَّرْتُ اسْمَ الْفَاضِلِ الشَّيْخِ حَسَنَ

فِي شَرَحِ أَرْجُوزَةِ سَنَكِينِ بَدَنَ

(همان، بیت ۶۶)

دنبال:

وَمَا بِدُنْبَالِ حِصَانِي مِنْ أَحَدٍ

كَأَنِّي لَسْتُ لَهُمْ بِمُجْتَهِدٍ

(همان، بیت ۱۲۲)

بشنو:

مَا كُلسَنَ رَاذَ وَنُطِقِ الْقَوْشِ

وَمَثَوَى الْبِشْنُو مِنْ الْقَمِيشِ

(همان، بیت ۴۸۰)

ترکیبات ترکی

بجاق ۲:

قَدْ تَرَكُونِي فِي بَجَاقِ الْبَيْتِ

وَ قَلَقُلُوا فِي بَكَيْتِ كَيْتَ

(همان، بیت ۱۲۳)

پشیک: ۱

وَلَمْ يُجْزْ هِرِيرُ رَأْسِ الدَّيْكِ شَهَادَةَ الْفَارِ عَلَى الْبِشِيكِ
لِأَنَّهَا شَهَادَةٌ مُتَهَمَةٌ بِاتِّفَاقٍ مِنْ قَضَاةِ الْمَحْكَمَةِ

(همان، ابیات ۹-۲۹۸)

دلیک: ۲

وَيَسْتَرِي الْمُجْتَهِدُونَ لِلدَّيْكِ مِنْ رُوَيْتِي كَالْفَارِ مِنْ رُوْيَا الْبِشِيكِ

(همان، بیت ۳۹)

بازی‌ها، سنت‌ها و امثال ترکی

شاعر در این اثر، جایجا از سنت‌ها و بازی‌ها و مثل‌های ترکی یاد می‌کند که متأسفانه بسیاری از آن‌ها به علت هجوم‌های فرهنگی یا به وادی فراموشی سپرده شده‌اند یا در حال فراموشی و تخریب هستند و این مجموعه می‌تواند یکی از متون باارزش در حوزه مطالعات فرهنگ بومی و ساختارهای آن به‌شمار آید.

ایت دَرَه دَن داشلانندی:

مثلی است ترکی در این معنی که: سگ از دره جست.

لَمَّا رَأَوْ حَاشِيَةَ مِنْ عِنْدِي لِقَوْلِهِمْ: «أَيْت دَرَه دَنُ دَاشْلَانْدِي»

(همان، بیت ۱۴۴)

بیر پول و بیرون کونک الاق:

مثلی است ترکی که ترجمه آن چنین است: «یک پول بدهید، پیراهن بخریم. مرسوم بود که چند روز پیش از نوروز، چند نفر خود را به صورت‌های عجیب درآورده در بازارها می‌گشتند و به ترکی می‌گفتند: «قیش دان چیخ دینخ، یازا گِردینخ، بیر پول و بیرون کونک آلاخ» یعنی از زمستان خارج شده به بهار داخل شدیم؛ پول بدهید پیراهن بخریم». (جلال‌الدین همایی)

وَ مِثْلُهُ الْمَكْتُ لِتَعْلِيْقِ الْقَوْلِاقِ لِقَوْلِهِمْ: «بِيرِ پُولِ وِیْرُونَ کُونُکِ الْاِقِ»

(همان، بیت ۲۳۱)

شیطان ماتی:

نوعی بازی است که اطفال جمع می‌شوند و به عدد نفوس خود گودال‌های کوچک می‌کنند و گودالی را هم برای شیطان می‌کنند؛ پس یکی را با قرعه سوار می‌شوند و مرکوب گویی در دست دارد و می‌اندازد؛ اگر در مات شیطان افتاد، این دسته سوار آن دسته می‌شوند و به حسب

قرارداد مقداری راه می‌روند و آلا گوی به مات هر کدام از بچه‌ها افتاد، باید سواری بدهد و راکب از پشت مرکوب اول می‌جهد به پشت مرکوب دوم. (جلال‌الدین همایی)

و هَلْ يَجُوزُ لَعْبُ «شَيْطَانِ مَاتِي»
مَعَ زُمْرَةِ الْعِلْمَانِ فِي الْكُجَاتِ

(همان، بیت ۲۶۸)

کوسج و گلین

گلین به ترکی عروس است و کوسه گلین را در ایام عید ساخته در خانه‌ها می‌گرداندند و می‌رقصانیدند. (جلال‌الدین همایی)

و لَعْبَةُ «الْكُوسَجِ وَالْغَلِينِ»
بِالدَّفِّ وَالطَّنْبُورِ وَالْحَنِينِ

(همان، بیت ۲۴۶)

گیزلن پاچ

به ترکی نام بازی‌ای است که یکی مخفی می‌شود و دیگران او را پیدا می‌کنند. (جلال‌الدین همایی)

و لَعْبُ «گِيزْلِنِ پَاجِ» بِالْبَنَاتِ
فَاِنَّهُ مَطْنَةُ الْهِنَاتِ

(همان، بیت ۳۸۸)

دُنْبَالانِ پَسْدانِ

به فارسی بازی الاکلنک می‌گویند که تیر یا نردبانی را روی بلندی می‌گذارند و بر هر سرش یکی می‌نشینند و بالا و پایین می‌روند. (جلال‌الدین همایی)

و ابْنِ أَخِي عَلَّامَةُ الزَّمَانِ
جَوَّزَ لَعْبَ «دُنْبَالانِ پَسْدانِ»

(همان، بیت ۲۵۵)

ابن العمی

یعنی کور اوغلی که نام آوازی است مخصوص دهقان‌ها و روستایی‌ها و تلفظ معمول ترکی «کُرُ اُغلی» است. (جلال‌الدین همایی)

و رَنَّةُ الْعَاشِقِ فِي الْأَعْرَاسِ
وَأَبْنُ الْأَعْمَى فِي جُمُوعِ النَّاسِ

(همان، بیت ۲۴۷)

ارزش و اهمیت کتاب

کتاب حاضر تلاشی است در زنده نگه داشتن یکی از آثار گرانسنگ پهنه بی‌کران ادبیات و فرهنگ این مرز و بوم که حاوی موضوعات اجتماعی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و غیره است که از لحاظ شناخت تاریخ اجتماعی ایران در دوره مشروطیت کمک شایانی را برای محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی و علوم دینی فراهم کرده، در راستای پیراستن مسائل خرافی از چهره اجتماع و مذهب، نقش به‌سزایی ایفا می‌کند.

«این منظومه جالب، وصف فرد فرد علمای آن روزگار را می‌دهد و البته در انتقاد از آن‌ها مبالغه می‌کند. قسمتی از این منظومه، انسان را به یاد بحث‌های علمای اروپایی قرون وسطی چون سنت توماس آکویناس درباره فرشتگان می‌اندازد که می‌گفتند یک فرشته می‌تواند در آن واحد در دو جا باشد و یا دوازده فرشته بر نوک سوزنی می‌تواند قرار گیرند».

علمای تبریز نیز بدین منوال گوش تا گوش نشسته‌اند و راجع به مسائل فقهی بحث می‌کنند. عده‌ای «شاه گلی» را کُر می‌دانند و عده‌ای دیگر شرایطی برای کُر بودن این استخر عظیم قایل‌اند. اختلاف شدیدی در مورد این مسئله که آیا فضله جن پاک است یا نجس در بین ایشان بروز می‌کند. عده‌ای می‌گویند چون جن نامرئی است و در همه جا هست، پس اگر فضله بیندازد، لباس‌های ما نجس می‌شود!». (جوادی، تاریخ طنز در ادبیات فارسی، ص ۲۴)

کتاب حاضر به علت دارا بودن بسیاری از امثال، سنت‌ها و بازی‌های رایج زمان شاعر، دارای اهمیت است.

مشخصات نسخه حاضر

«نسخه‌های این کتاب اکثراً با یکدیگر متفاوت است. بعضی از پانصد بیت کم‌تر و بعضی بیش‌تر و بعضی تا حدود ششصد بیت است. چنین می‌نماید که اشخاص دیگر از اصحاب مسخره نیز لایقیدی کرده تصرفات در آن نموده و در متن آن دست برده‌اند، و از اصلش کم کرده و یا ایباتی به آن افزوده‌اند، و به هر حال تا امروز نسخه‌ای از این منظومه که شامل هزار بیت کامل باشد به دست نیامده است و شمول این منظومه به پانصد بیت با عنوان آن که «الفیه» نامیده‌اند بنا به بحثی که جلال‌الدین سیوطی در «بهجة المرضیة فی شرح الفیه» زیر کلمه «الفیه» آورده تنافی ندارد. این ارجوزه اضحو که در جای خود از منظر شعری بسیار متین و محکم و حاکی از اطلاعات وسیع ناظم در فنون ادب است؛ لیکن در کلمات و جملات و ایبات آن تحریف راه یافته و از دست کاتبان بی‌سلیقه اغلاط به آن وارد آمده است». (دهخدا، لغت نامه، مدخل حجت‌الاسلام)

نسخه حاضر جزو نسخه‌های خطی کتابخانه علامه جلال‌الدین همایی می‌باشد در ابعاد ۲۰×۱۲ که حاوی دو مجموعه شعر عربی می‌باشد.

قسمت اول شامل الفیه حجت‌الاسلام میرزا محمد تقی متخلص به «نیر» می‌باشد مشتمل بر ۵۰۵ بیت که خود شاعر در بیت سوم این کتاب، از آن با عنوان «فسوة الفصیل» یاد می‌کند. قسمت دوم این نسخه خطی شامل اشعار عربی بی نقطه مرحوم حاجی میرزا حسن مجتهد بیگلری است در مدح ائمه اطهار (علیهم‌السلام اجمعین) معروف به «قصائد الخمسه الامامیه» که در پنجم ماه ذی‌القعدة سال ۱۳۴۲ هجری قمری توسط عباس نامی کتابت شده است.

چنانکه استاد همایی در مقدمه نسخه مرقوم فرموده‌اند، ایشان این نسخه خطی گرانسنگ را در خرداد ماه ۱۳۲۴ هجری شمسی از آقای سهیلی در تهران خریداری کرده‌اند و تا آنجا که ممکن بوده این نسخه را با نسخه‌های دیگر مقابله کرده و حواشی و توضیحاتی بر آن نوشته‌اند.

نتیجه‌گیری

شناخت جوامع در دوره‌های مختلف تاریخی به عواملی وابسته است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نسخه‌های خطی است که حاوی اطلاعات باارزش از گذشته‌های دوری است که برای نسل کنونی به یادگار مانده است. مؤلف در مطاوی ابیات، به نوعی به نقد ساختارهای اجتماعی و سیاسی روزگار خود پرداخته، بسیاری از سنت‌ها و آداب و رسوم و خرافات را به صورتی سخره‌آمیز به باد انتقاد گرفته، به طوری که خواننده با خواندن این ابیات به هوش و ذکاوت شاعر، آفرین می‌گوید. البته در بعضی موارد، شاعر نزاکت را از دست داده است. به هر حال همان‌گونه که استاد همایی به جا متذکر شده‌اند، کتاب حاضر جزو نمونه‌های عالی و از زمره شاهکارهای ادبی است که شاعر در ابیات آن عبارات و کلماتی فارسی و ترکی را به صورتی زیبا وارد الفیّه خود نموده است که برای خواننده‌ای که به زبان فارسی و مخصوصاً ترکی آشنایی ندارد، ممکن است جای اشکال و تعجب باشد. همین‌طور این کتاب دربرگیرنده بسیاری از آداب، رسوم، سنت‌ها، و نیز بازی‌های مختصّ به آذربایجان بوده که در گذر زمان در حال فراموشی بوده است و برای محققان علوم اجتماعی می‌تواند، اثری بی‌بدیل باشد.

منابع

- ۱- الفیّه، محمد تقی حجت الاسلام، نیر، (نسخه خطی متعلق به علامه جلال‌الدین همایی).
- ۲- جوادی، حسن، ۱۳۸۴، تاریخ طنز در ادبیات فارسی انتشارات کاروان، چاپ اول.
- ۳- تربیت، محمد علی، ۱۳۷۸، دانشمندان آذربایجان، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- ۴- شرح ابن عقیل، بهاء‌الدین عبدالله بن عقیل، محمد محی‌الدین عبدالحمید، انتشارات سیدالشهداء، چاپ چهارم ۱۳۷۲.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۹، لغت نامه، چاپ سیروس، تیر ماه.
- ۶- میرصادقی، میمنت، ۱۳۸۵، واژه‌نامه هنر شاعری، کتاب مهناز، چاپ سوم.